

Social Factors Related to the Tendency to Lie among Students

Roghayeh Velayati 

PhD Candidate of Sociology, , Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz,, Iran.

Davood Ebrahimpoor *

Assistant Professor of Sociology, , Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Mohammadbagher

Alizadeh Aghdam 

Professor of Sociology, , University of Tabriz,, Tabriz.

Mohamad Abaszadeh 

Professor of Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

The aim of this study was to "investigate students' tendency to lie". Research method, survey and statistical population, students of Islamic Azad University of Tabriz in 1398 with a sample size of 375 people were obtained by stratified method. Questionnaire is being used as the method of collection. Cronbach's alpha method was used to calculate the reliability coefficient of the measuring instrument and to judge the face and content validity of the questionnaire, professors' judgments on the subject were used.. The basis of the research is "Burger and Luckman's theory, Habermas, Bourdieu, Sutherland, etc." Spss18 and Amos were used to analyze the data. According to the results of the study, there was a direct relationship between "social fear, power structure in the family, social alienation, cultural poverty, relative deprivation" and an inverse relationship between "social, economic, cultural, communication action" and the tendency to lie. According to the results of multivariate regression analysis, "social, cultural and economic" factors explain 37% of the tendency to lie and 63% of the variance can be explained by variables outside the study





Keywords: Tendency to lie, Social fear, Power structure in the family, Social alienation - Islamic Azad University of Tabriz.

* Corresponding Author: ebrahimpoord@iaut.ac.ir

How to Cite: Velayati, R., Ebrahimpoor, D., Alizadeh Aghdam, M., Abaszadeh, M. (2021). Social Factors Related to the Tendency to Lie among Students, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(92), 199-235.



عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان

- رقیه ولایتی  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.
- داود ابراهیم‌پور * استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.
- محمدباقر علیزاده اقدام  استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- محمد عباس‌زاده  استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

پژوهش باهدف «بررسی گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی» می‌باشد. روش پژوهش، پیمایش و جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز در سال ۱۳۹۸ با حجم نمونه ۳۷۵ نفر به روش طبقه‌ای به دست آمد. شیوه گردآوری با استفاده از پرسشنامه می‌باشد. برای محاسبه‌ی ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ و برای اطمینان از اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه از قضاوت اساتید در زمینه‌ی موضوع استفاده شده است. مبانی پژوهش «نظریه برگر و لاکمن، هابرماس، بوردیو، ساترلند و..» می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از spss18 و Amos استفاده شده است. بر اساس نتایج پژوهش بین «هراس اجتماعی، ساختار قدرت در خانواده، بیگانگی اجتماعی، فقر فرهنگی، محرومیت نسبی» رابطه مستقیم و بین «سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کنش ارتباطی» رابطه معکوس با گرایش به دروغ‌گویی به دست آمد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری، عوامل «اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی» به میزان ۳۷ درصد گرایش به دروغ‌گویی را تبیین می‌کنند و ۶۳ درصد از واریانس توسط متغیرهای خارج از پژوهش قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: دروغ‌گویی، هراس اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

* نویسنده مسئول: ebrahimpoord@iaut.ac.ir

طرح مسأله

دروغ‌گویی به‌عنوان بیان امری به‌صورت نادرست و آگاهانه جهت گمراه کردن فرد دیگر و تلاش برای باور به آن مسأله است و به‌عنوان امری اجتماعی است، زیرا در روابط انسانی و اجتماعی تحقق می‌یابد (Ghasemi & Mohaddesi Gilvaei, 2017). دروغ لزوماً وابستگی مستقیمی به میزان وجود «باور به تأثیرگذاری» آن در نزد «دروغگو» و «باور» به آن در نزد مخاطب ندارد. در همه جوامع انسانی و در همه سطوح و زمان‌ها ما با اشکال مختلف دروغ با شدت و ضعف‌های مختلف سروکار داریم. دروغ می‌تواند از نوعی تحریف تعمدی و کاملاً زیان‌آور تا نوعی عدم شفافیت یا تغییر اندک واقعیت با تغییر چارچوب‌های آن گسترده باشد، بنابراین نمی‌توان برای آن حدود مرز دقیقی تعیین کرد. تحقیقات نشان می‌دهد باوجود آنکه دروغ‌گویی در اغلب فرهنگ‌ها و ادیان همواره نکوهش شده است، در همه جوامع انسانی به نحو جدی شایع است (Muhaddith Gilavaei & Falsafi, 2015) به باور برخی، رفتار دروغ‌آمیز بخشی از رفتارهای روزمره ما را تشکیل می‌دهد و جزء لاینفک حیات اجتماعی ما شده است. دروغ‌گویی امری اجتماعی است زیرا در روابط انسانی و اجتماعی تحقق می‌یابد. ما همیشه با تصور حضور و وجود دیگری دروغ می‌گوییم. در جامعه ما نیز انواع دروغ‌گویی از تعارفات^۱ و ملاحظات روزمره گرفته تا دروغ‌هایی که هرروزه با عنوان مصلحتی یا غیر از آن به اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و مشتریان می‌گوییم مشاهده می‌شود (Ibid)) با آنکه دروغ از نظر زمانی و مکانی دارای کم و کیف یکسانی نبوده است، عمر آن شاید به بلندای عمر زبان و درازای تاریخ تفکر باشد، به طوری که می‌توان فرض کرد همیشه با انسان اجتماعی همراه بوده است (Kotobi, 1998) آستانه تحمل جامعه‌ها در برابر رفتار دروغین تفاوت می‌کند هر نوع جامعه به میزان معینی از این نوع رفتار چشم می‌پوشد. این میزان در جامعه‌های روستایی و دینی کمتر و در اجتماعات شهری بیشتر است و در بخش‌های مختلف و زمان‌های متفاوت زندگی در جامعه واحد تفاوت می‌کند و این گوناگونی، به

نظام‌های مدیریت سیاسی، اجتماعی و خانوادگی هر دوره برمی‌گردد (Kotobi, 1998: 146) در جامعه ما دروغ پدیده فرهنگی کارآمد و چندمنظوره‌ای است که با زندگی روزمره ما آمیخته و قرین شده است و بخشی از عمر خود را صرف به‌کارگیری هر چه ظریف‌تر و کارآمدتر و بیشتر آن می‌نماییم بی‌آنکه خسته بشویم و یا به بیهودگی و خسارت‌های ناشی از آن اعتقاد پیدا کنیم (Kotobi, 1998) دروغ و دروغ‌گویی پیامدهای ناگوار و یا به اصطلاح جامعه‌شناسی کارکردهای منفی^۱ برای جامعه و نظم اجتماعی در بردارد. کارکردهای منفی دروغ‌گویی را از لحاظ اجتماعی چنین می‌توان برشمرد: دروغ یک نوع کنش گسسته^۲ است که برای نظام و نظم اجتماعی زیانبار است و باعث گسسته شدن پیوند بین افراد جامعه می‌شود (Zayerkabe, 2009).

دروغ باعث می‌شود که اعتماد اجتماعی^۳ در جامعه از بین برود و با از بین رفتن اعتماد اجتماعی امور روزمره با صرف هزینه بیشتری عملی گردد. مثلاً با از بین رفتن اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، تجارت روزانه در بازار با بیشترین هزینه، چون صرف وقت بیشتر برای انجام مراحل رسمی و اداری، پرداخت پول بجای چک با تقاضای ضمانت در پرداخت وام انجام خواهد پذیرفت یا مردم به علت عدم اعتماد به غریبه‌ها و دیگران ناشناس، ارتباطات خود را به روابط تنگ درون‌گروهی محدود خواهند ساخت. - گسیختگی اجتماعی^۴، افول سرمایه اجتماعی^۵، تضییع حقوق افراد و... از دیگر کارکردهای منفی دروغ از لحاظ اجتماعی می‌باشند. دروغ از لحاظ فردی نیز دارای کارکردهای منفی است از جمله: از اعتبار افتادن حرف‌های درست فرد به خاطر سابقه دروغ‌گویی، دورویی، فرایند انباشتی دروغ‌گویی که فرد بر اساس آن مجبور می‌شود برای پوشاندن دروغ قبلی خود، دروغ جدیدی بگوید و این روند تا مکشوف شدن حقیقت^۶ ادامه می‌یابد (Ibid) در

-
1. Dys Function
 2. Discrete Action
 3. Social Trust
 4. Social Disruption
 5. Social Capital
 6. Truth

بین دانشجویان نیز انواع دروغ‌گویی از تعارفات روزمره گرفته تا رساله و پایان‌نامه نوشتن مشاهده می‌شود همه ما این سخن سعدی و ضرب‌المثل دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز را شنیده‌ایم و چه بسا اشخاص که با تعمیم و تسری دادن به موارد مورد استفاده و خواسته خود حقیقت و حق را قربانی منافع و مصالح کرده و می‌کنند (Bazaegan, 2017) تحقیقات نشان می‌دهد با وجود آنکه دروغ‌گویی در اغلب فرهنگ‌ها و ادیان نکوهش شده است در همه جوامع انسانی به نحو جدی شایع است. به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، پژوهشگران دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در لس‌آنجلس، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که هر آمریکایی هر هشت دقیقه یک‌بار دروغ می‌گوید. در ایران تحقیقی که با عنوان نظرسنجی از مردم تهران درباره خصوصیات ایرانی‌ها انجام شده است، در مورد مهم‌ترین خصوصیت‌های منفی ایرانیان، دروغ‌گویی در مقام نخست قرار می‌گیرد و ۱۲ درصد پاسخگویان مهم‌ترین صفت منفی ایرانیان را دروغ‌گویی دانسته‌اند (Kotobi, 1998). در پیمایشی که در سطح ملی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها به صورت مجازی انجام گرفته پاسخگویان به رواج دروغ‌گویی اشاره کرده‌اند (Faraskhah, 2015). البته ذکر یافته‌های این نوع تحقیقات لزوماً به معنای تأیید اعتبار و صحت نتایج آن‌ها نیست؛ و داده‌های موجود برای داوری درباره میزان شیوع دروغ‌گویی در بین جوانان (دانشجویان) در تبریز کافی نیست. لازم است در این مورد تحقیقات دیگری انجام شود و این پژوهش گام کوچکی در این مسیر تلقی شود پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان سعی دارد از منظر جامعه‌شناختی به بطن عمل اشخاص وارد شود و چگونگی و دلایل گرایش افراد به دروغ‌گویی را نزد جوانان بکاود و به این پرسش مهم پاسخ دهد که گرایش جوانان به دروغ‌گویی از چه عوامل اجتماعی ناشی می‌شود؟

۳- مبانی نظری

در نظریه مرتون، چهار گروه «آداب‌گرایان، نوآوران، واگرایان و انقلاب» هر کدام در یکی از عناصر مهم ساخت اجتماعی دچار کجروی می‌شوند و نتیجه آن، طرد اهداف و وسایلی

است که برای کسب موفقیت بکار می‌برند (Kozer & Rosenberg, 1999). نظریه برساخت‌گرایان: دروغ برساختی اجتماعی است که از دل روابط و مناسبات اجتماعی برمی‌خیزد. از این منظر دروغ مفهومی سیال است که در هر زمینه و متنی، معنایی تازه به خود می‌گیرد و به دنبال آن به شیوه تحلیل متفاوتی نیاز دارد. شاید لازم باشد پیش از هر چیز ارکان اصلی نظریه‌ی برساختی را برشماریم تا سویه‌های احتمالی مبهم این ادعا واضح شوند. هسته‌ی مرکزی نظریه‌ی برساختی، حول محور ساخته‌شدن واقعیت نزد سوژه‌ها یا همان افراد جامعه می‌گردد. اساس این نظریه بر رد هرگونه شناخت پیشینی شکل‌گرفته است. در حقیقت شکل‌گیری شناخت و معنا یافتن پدیده‌ها در بستر زیست اجتماعی و در پس آن، زبان صورت می‌گیرد. ادعای برگر و لاکمن، در اثرشان، «ساخت اجتماعی واقعیت» این است که واقعیت، ساخته‌وپرداخته جامعه است و جامعه‌شناسی شناخت باید فرآیندی را که این امر در آن روی می‌دهد تجزیه و تحلیل کند (Burger & Luckman, 2008). آن‌ها «واقعیت» را کیفیتی مرتبط با پدیده‌هایی که دارای وجودی مستقل از خواست و اراده هستند و «شناسایی» را اطمینان به این‌که پدیده‌ها واقعیت‌اند و از خصوصیتی ویژه برخوردارند، تعریف کرده‌اند (Ibid). سوژه‌ها در بستری از معانی و مفاهیم، مفهوم موردنظر خود را می‌سازند. از این‌روست که برساخت‌گرایان ادعا می‌کنند هر متن، دارای معانی گوناگون است چراکه می‌توان آن را به گونه‌های متفاوت قرائت کرد و برداشت‌های متفاوتی از آن داشت. گزاره اصلی جامعه‌شناسی شناخت را می‌توان در این جمله‌ی مارکس به‌درستی مشاهده کرد: «هستی اجتماعی انسان تعیین‌کننده آگاهی اوست». در واقع دریافت حقیقت و کسب آگاهی به شرایطی وابسته است که افراد در زندگی اجتماعی‌شان تجربه می‌کنند. دیلتای نیز تأکید تاریخی گرایانه دارد بر این‌که هیچ موقعیت تاریخی جز برحسب خودِ موقعیت تاریخی قابل فهم نیست (Ibid). همین تأکید را می‌توان به تأکید بر موقعیت اجتماعی اندیشه ترجمه کرد. موقعیت تاریخی یا اجتماعی، همان متن و زمینه‌ای است که فرد در آن زیست می‌کند، حوادث و روابط را می‌آفریند و حول خود پوله‌ای می‌تند که همان متن زندگی اوست. برگر و لاکمن، پیشنهاد کردند که جامعه‌شناسی

معرفت باید کندوکاو در شیوه‌هایی باشد که از طریق آن‌ها آراء روزمره درباره واقعیت خلق شده و ادامه حیات می‌دهند. آن‌ها استدلال کردند که نخبگان فرهنگی در تعریف واقعیت تنها نیستند. انسان‌های عادی آرایبی دارند یا مجموعه‌های معرفتی تولید می‌کنند که واقعیت را تعریف می‌کنند. جامعه‌شناسی معرفت باید بر فهم شیوه برساخت اجتماعی واقعیت‌های روزمره متمرکز شود. جامعه برساخته‌ای نمادین یا محصولی سنجیده و متشکل از آراء معانی و زبان است. یکی از صورت‌بندی‌های نگرش آن‌ها این است: هستی بشر عبارت است: از بیرونی شدن دائمی. آدمی با بیرونی سازی خود جهان را می‌سازد. در فرایند بیرونی شدن او معانی خودش را به واقعیت القا می‌کند. واقعیت به لحاظ انسانی معنا دارد و تمام کائنات را احضار می‌کند تا برای وجود انسان اعتباری بیابد. این عوامل نمادین نقطه‌ی نهایی این فرافکنی را به نمایش می‌گذارند (Sidman, 2018).

برگر و لاکمن می‌نویسند: «اندوخته دانش اجتماعی، واقعیت را برحسب درجه‌های آشنایی مشخص می‌سازد به این معنی که موجب می‌شود درباره آن بخش‌هایی از زندگانی روزمره که باید با آن‌ها پیوسته سروکار داشته باشیم، اطلاعات پیچیده و مفصلی به دست آوریم و در مورد بخش‌های دوردست‌تر، اطلاعات کلی‌تر و معجل‌تری حاصل کنیم (Burger & Luckman, 2008). برگر و لاکمن، سرمنشأ نهادهای اجتماعی را تحت عنوان فرایند بیرونی سازی توصیف می‌کنند. خطوط اصلی این فرایند را به شرح زیر ترسیم می‌کنند: فرایند بنیادین دیالکتیکی جامعه از سه مرحله تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ۱- بیرونی شدن، سرریز افعال جسمانی و ذهنی آدمی در جهان است. ۲- عینی شدن، رسیدن به واقعیتی از طریق محصولات این فعالیت واقعیتی که تولیدکنندگان اصلی آن خود یک برون بودگی مجعولی هستند که بیرون و مستقل از خودشان قرار دارند. ۳- درونی شدن، تصرف مجدد همین واقعیت توسط انسان تبدیل دوباره آن از ساختارهای جهان عینی به ساختارهای آگاهی ذهنی نیازمندی انسان‌ها را به تعامل اجتماعی سوق می‌دهد. نهادهای اجتماعی کارکردی‌اند، نیازها را رفع می‌کنند و زمینه قابل پیش‌بینی برای رفتار ایجاد می‌کنند و به زندگی آدمی انسجام و هدف می‌بخشند. انسان‌ها سرشت خود را از طریق

اعمال اجتماعی‌شان می‌سازند این خصلت انعطاف‌پذیر و نامقدر سرشت بشری شکل و هدفش را از فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد. بیگانگی یا شیء انگاری خصلت طبیعی و گریزناپذیر جهان‌های اجتماعی است که ما خلق می‌کنیم. این‌ها بر این باورند شیء انگاری هرگز به‌طور کامل موفق نخواهد بود. انسان‌ها کنترل ساخته‌های اجتماعی‌شان را دوباره به دست می‌گیرند و به هیئت عاملانی فعال و خلاق درمی‌آیند. نسل‌های مختلف تجربه‌ها، ارزش‌ها و امیدهای گوناگونی دارند. اختلافات میان نسل‌ها باعث می‌شود که نسل جوان‌تر مشروعیت و ضرورت نظم نهادی موجود را به چالش بکشد. رویدادهای عادی اجتماعی مانند ارتباطات میان جوامع، کشمکش‌های اجتماعی، مرگ و بیماری در مسلم و طبیعی بودن نظم نهادی خدشه وارد می‌کنند. نظم اجتماعی همواره پدیده‌ای متزلزل و ناپایدار است. توهم طبیعی و عینی بودن منشأ انسانی این نظم کاملاً تصادفی و ممکن جهان‌های اجتماعی در معرض خطر فروپاشی قرار دارد این امر به‌نوبه خود ما را در معرض خطر مواجهه با سرشت بی‌معنا و در هم بر هم حیات بشر قرار می‌دهد. بصیرتی که می‌تواند موجب تضعیف اقتدار اجتماعی و بی‌نظمی اجتماعی شود. امکان اختلال در جهان‌های اجتماعی که خلق می‌کنیم موجب به کار افتادن استراتژی‌های تقویت‌کننده می‌شود. عمده توجه آن‌ها مشروعیت بخشی است در مواجهه با رویدادهایی که تجربیات اجتماعی ما را در معرض شکنندگی و سرگشتگی قرار می‌دهند. انسان‌ها ظاهراً بر اساس احساس نیاز ناخودآگاه جمعی و فردی به نظم و معنا واکنش نشان می‌دهند و نظام‌های نمادینی به وجود می‌آورند هدف آنان تحکیم دوباره عینیت نهادهای اجتماعی است (Sidman, 2018). برگر، استدلال می‌کند که وجود دو نوع ایدئولوژی به حفظ نابرابری کمک می‌کند: (۱) ایدئولوژی‌ای که موقعیت طبقات مرفه را مشروع می‌کند و استدلال می‌کند که این افراد، به‌گونه‌ای برتر، شایسته‌تر، بااستعدادتر و سخت‌کوشند و یا فرهنگ غنی‌تری دارند و به این دلیل به جایگاه والای اقتصادی رسیده‌اند. (۲) ایدئولوژی دیگری که فقر را نتیجه‌ی گناه یا تبلی فردی می‌داند، تأکید بر این دارد که رفتار خوب فقرا، سرانجام در زندگی پس از

مرگ پاداش خواهد داشت و فقر نتیجه عملکرد فکری و رفتاری خود افراد است (Kiwisto, 2007).

هرگونه کنش انسانی مستعد آن است که به صورت عادت درآید کنشی که پی‌درپی تکرار شود به الگویی تبدیل می‌گردد که از آن پس می‌توان آن را بازتولید کرد و خود کنشگر هم به الگو بودن آن واقف خواهد شد. عادت مند شدن نشان‌دهنده آن است که کنش یادشده می‌تواند در آینده بارها و بارها به همان سبک و سیاق و با همان میزان تلاش اندک انجام شود. این امر درباره کنش اجتماعی و غیراجتماعی به یکسان صدق می‌کند. حتی فردی تنها در جزیره‌ای متروک نیز کنش‌های خود را در قالب عادت شکل می‌دهد. هنگامی که صبح زود از خواب برمی‌خیزد و تلاش خود را برای ساختن قایقی از چوب کبریت از سر می‌گیرد ممکن است زیر لب با خود بگوید: باز به آنجا می‌رسم. به عبارتی حتی فرد تنها هم به روش‌های انجام فعالیت‌هایش عادت می‌کند. مسلماً کنش‌هایی که به شکل عادت درمی‌آیند هر قدر هم معنایشان نزد کنشگر امری عادی و بدیهی جلوه کند و به مثابه امری روزمره برای استفاده در کارهای آتی در دسترس باشد باز هم معنادار بودن خود را برای او حفظ می‌کنند. نهادی شدن زمانی اتفاق می‌افتد که نمونه‌سازی متقابل کنش‌های عادی شده از جانب تیپ‌های کنشگران موجود باشد. هر یک از نمونه‌سازی‌ها در حکم یک نهاد است به آنچه می‌بایست توجه داشت متقابل بودن نمونه‌سازی‌های نهادی و عادت‌مندی کنش‌ها و کنشگران در نهادها است. نمونه‌سازی‌های کنش‌های عادی شده‌ای که بر سازنده نهادها هستند همواره نمونه‌سازی‌هایی مشترک‌اند و در دسترس تمام اعضای یک گروه اجتماعی قرار دارند خود نهاد نیز مظهر اعلامی کنشگران منفرد و کنش‌های منفرد است. هر نهاد بر این فرض استوار است که کنش‌های نوع X را کنشگران نوع X انجام خواهند داد. افزون بر این نهادها نشانگر تاریخ‌مندی و کنترل هم هستند نمونه‌سازی‌های متقابل کنش‌ها در جریان تاریخ‌مشرکی ساخته می‌شوند این نمونه‌سازی‌ها به هیچ‌وجه خلق‌الساعه نیستند. نهادها همواره دارای تاریخ و محصول تاریخ‌اند فهم دقیق یک نهاد بدون فهم فرایند تاریخی ممکن نیست. نهادها همچنین از طریق فراهم کردن

الگوهای از پیش تعریف شده کنش، کنش انسانی را کنترل می کنند الگوهایی که کنش انسانی را در میان مسیرهای بسیاری که به لحاظ نظری قابل تصورند در مسیر خاصی هدایت می کنند این ویژگی کنترل کردن کنش انسانی چیزی است که در خود فرایند نهادسازی نهفته است و بر تمام مکانیسم ها و ضمانت هایی مقدم است که مشخصاً برای حمایت از یک نهاد کار گذاشته می شوند این مکانیسم ها در بسیاری از جوامع و نهادها وجود دارند (Jalaipour & Mohammadi, 2016).

برگر و لاکمن به طور کلی نحوه شکل گیری واقعیت اجتماعی را شرح داده اند که فقر هم یکی از این واقعیت های اجتماعی است. افراد دچار وضعیت فقر نیز دست به نهادسازی می زنند که در قالب راهکارهای انطباق با فقر تجلی می یابد. آن ها نیز نظام توجیه گری دارند و به توجیه وضعیت خود می پردازند؛ دلایلی برای فقر مطرح می کنند، توجیهاتی برای تحمل وضعیت خود و دورنمایی برای رهایی از فقر در نظر دارند به فرزندانشان دیدگاهی درباره وضعیت موجود می دهند و نحوه جامعه پذیری خاص خود را دارند (Burger & Luckman, 2008). هابرماس، بیشتر از هر چیز به کنش ارتباطی علاقه مند است که در آن کنش عاملان با کنش نیل به تفاهم هماهنگ می شود. در کنش ارتباطی، شرکت کنندگان اساساً در پی موفقیت خود نیستند آن ها اهداف فردی خود را تحت شرایطی دنبال می کنند که بتوانند برنامه عمل خود را بر پایه تعریف وضعیت مشترک هماهنگ کنند (Ritzer, 2014).

می باور^۱ (۲۰۱۱): «دروغ» یک کنش گفتار است. هر آنچه توسط فرد بیان می شود دارای سه کنش است؛ وجه اول به مرجع مشخص گفتار بازمی گردد، وجه دوم به منظور گوینده از بیان گفتار اشاره دارد و وجه سوم به برداشت شنونده از گفتار اشاره دارد (Meibauer, 2011).

به نظر «رابرت گر»^۱ محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنهاست. کروسبی^۲ شش پیش‌شرط روان‌شناختی «آگاهی یافتن، مقایسه خود با دیگران، خود را مستحق دیدن، انتظارات گذشته، انتظارات معطوف به آینده و مقصر نشناختن خود» برای ظهور محرومیت نسبی عنوان نموده است (Rabbani, 2012).

هیرشی^۳، مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه نظارت اجتماعی است. او بر این اعتقاد است که کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد (Bukhara, 2014).

در نظریه بوردیو^۴، میدان نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع گوناگون سرمایه «اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی - نهادی» است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت گیرد.

گئورگ زیمل^۵، دروغ را در چارچوب هندسه اجتماعی^۶ خاصه نظراتش درباره فاصله مطرح می‌کند. از نظر زیمل، هر قدر انسان به کسی نزدیک‌تر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که با دروغ گفتن او یا پنهان‌کاری او آسیب ببیند (Ritzer, 2011).

گافمن^۷ آنچه را که تحت عنوان نمایش دروغین نام‌گذاری می‌کند به شکاف بین واقعیت وجودی مجری و ظاهر کاذب به نمایش گذاشته‌شده ربط می‌دهد و برای نشان دادن واقعیت که کنشگر اجتماعی ممکن است در فرآیند اجرا، خودی غیر از خود واقعی‌اش یا خودی کاذب به نمایش بگذارد از اصطلاح «جعل هویت» کمک می‌گیرد. گافمن مدیریت تأثیرگذاری^۸ را شگردهایی می‌داند که کنشگران برای حل مسائلی که

-
1. Robert Ger
 2. Crosby
 3. Hirschi
 4. Pierre Bourdieu
 5. Georg Simmel
 6. Social geometry
 7. Erving Goffman
 8. Effective management

احتمالاً ممکن است در این زمینه با آن روبرو شوند از آن‌ها استفاده می‌کنند (Ritzer, 2014).

مطابق نظریه بازی سوژه‌ها با مجموعه‌ای از قواعد و قوانین وارد بازی می‌شوند و از این بازی به‌عنوان یک تاکتیک برای به حداکثر رساندن سودفردی خود به تعامل (بازی) برای سود بردن استفاده می‌کنند (Chelpi, 2014).

نظریه ساترلند^۱: افراد به‌این‌علت کزرفتاری می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان، بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. در قالب تئوری «هم‌نشینی افتراقی»^۲ کزرفتاری یادگرفتنی است بر مبنای نظریه ساترلند، اگر صداقت و راست‌گویی موردپسند و تأیید جامعه می‌باشد، تخطی از آن کزروی محسوب می‌شود (Sediq Sarvestani, 2012).

پیشینه تجربی

نتایج پژوهش خدامرادی (۱۳۹۷) با عنوان درک معنایی دروغ در زندگی روزمره مردم تهران به روش گراندد تئوری و با پرسش کلی دروغ در زندگی مردم تهران (منطقه ۱۸) چه جایگاهی دارد؟ نشان داد که دروغ گفتن تعاملات اجتماعی را سست و گاهاً قطع می‌کند، دروغ‌های دیگر را به بار می‌آورد، اعتبار اجتماعی افراد را خدشه‌دار می‌کند و روابط و تعاملات اجتماعی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیامد دروغ گفتن: پیامدهای مثبت: مثل از آب کشیدن گلیم خویش و ختم غائله‌ها و پیامدهای منفی: سست و یا قطع شدن تعاملات اجتماعی.

نتایج پژوهش قاسمی و محدثی گیلوایی (۱۳۹۶)، با عنوان مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران استفاده از روش تحلیل مضمون (کیفی) نشان می‌دهد که عواملی «احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی» باعث

-
1. Sutherland
 2. Differential accompaniment

دروغ‌گویی در بین زوج‌های ازدواج دائم و قانونی می‌شود. عوامل «تسهیل و کسب رضایت مقابل سیاست کتمان حریم‌شناسی و عدم استقلال در زندگی منجر به دروغ‌گویی در زوج‌های نامزد می‌شود. عوامل «عدم تعهد و عدم مسئولیت‌پذیری، پیگیری خودخواهانه خواسته‌های فردی در زندگی و محدودیت‌های خانوادگی و فرهنگی» منجر به دروغ‌گویی در رابطه می‌شود. زوج‌های واجد ازدواج قانونی به دنبال عقد رسمی و مسئولیت قانونی نسبت به هم دارند سبک دروغ‌گویی آن‌ها از نوع مقرر است. در زوج‌های نامزد رابطه محدود و دروغ‌گویی، معطوف به تسهیل است. در زوج‌های هم‌خانه، رابطه غیرتام و دروغ‌گویی از نوع سلاح می‌باشد. در مقایسه بین الگوهای شناسایی شده برای سه گروه زوج، یافته‌ها نشان داد که در زوج‌های قانونی با توجه به تکیه اقتصادی زوجین به هم و تلاش برای کسب رضایت همسر نوع رابطه بر اساس روابط تام شکل می‌گیرد و زوج‌های قانونی در اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، حسی و... در این رابطه زوجین بیشترین تعامل را با یکدیگر دارند به همین دلیل، آنان زمان قابل توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند.

یافته‌های پژوهش زنگینی (۱۳۹۶) با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اخلاق‌گزیزی (دروغ‌گویی) با تأکید بر پیامدهای آن (بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی اجتماعی) و با استفاده از روش پیمایش، نشان می‌دهد که میانگین نمره دروغ‌گویی در بین افراد نمونه برابر ۴/۱ به دست آمد که بیانگر وجود میزان قابل توجهی از رواج دروغ‌گویی در افراد موردبررسی بود. نتایج به دست آمده بیانگر تأثیر متغیرهای آنومی، بی‌نظمی در رفتارها، به خطر افتادن سرمایه اجتماعی و فردگرایی و تأثیر مثبت و کم متغیرهای کاهش کنترل اجتماعی و عقل‌ابزاری بر متغیر دروغ‌گویی بود. همچنین در بین متغیرهای مستقل متغیر آنومی بیشترین میزان همبستگی را با متغیر دروغ‌گویی دانست.

یافته‌های پژوهش صادقی (۱۳۹۵)، با عنوان بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر دروغ‌گویی در اردبیل با استفاده از روش پیمایشی، نشان می‌دهد که میانگین میزان دروغ‌گویی در بین مردم شهر اردبیل بالاتر از متوسط می‌باشد. تمامی مؤلفه‌های فرهنگی و

اجتماعی مورد بررسی در پیش‌بینی دروغ‌گویی مؤثر هستند ولی سهم متغیرهای تلاش برای کسب مقبولیت و منزلت اجتماعی، هنجارسازی دروغ در جامعه، عدم اعتماد به نظام اجتماعی، آموزش نادرست خانواده و ضعف اعتقادات مذهبی بیشترین سهم را در پیش‌بینی میزان دروغ‌گویی در جامعه دارند.

نتایج پژوهش محدثی گیلوایی و فلسفی (۱۳۹۴)، با عنوان تحلیلی جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی و با استفاده از روش پیمایش به دنبال این مسأله هست که کدام موقعیت مرتبط با کنش‌های روزمره زنان آن‌ها را بیش‌تر به سمت دروغ‌گویی سوق می‌دهد و چگونه می‌توان این موقعیت‌ها را دسته‌بندی و از هم متمایز کرد، نشان می‌دهد که زنان فارغ از مشاغل، در موقعیت تسهیل بیشترین آمادگی برای دروغ‌گویی را بروز داده‌اند. از چالش‌هایی که زنان با آن درگیرند تلاش برای حفظ و بهبود روابط اجتماعی‌شان است از روابط زناشویی و فAMILIARY گرفته تا روابط دوستانه. در موقعیت دروغ‌گویی به‌مثابه سلاح، زنان کارمند کمتر از زنان شاغل آزاد و خانه‌دار دروغ می‌گویند. در موقعیت دروغ‌گویی به‌مثابه تسهیل‌کننده روابط اجتماعی زنان کارمند اندکی بیشتر از زنان شاغل آزاد یا خانه‌دار دروغ می‌گویند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشتر به‌منظور کسب منفعت و سود، یا در موقعیت‌هایی که روابط اجتماعی‌شان به خطر یا در معرض فشار قرار می‌گیرند دروغ می‌گویند. زنان در موقعیت‌های زن خانه‌دار بیشترین دروغ را می‌گویند این نشان می‌دهد برای زنان زندگی خانوادگی و محیط خانواده همچنان بیشترین چالش را در بر دارد. زنان بسیاری از موقعیت‌هایی را که مربوط به دروغ‌ظاهراً مصلحت‌آمیز می‌شود دروغ نمی‌دانند و از گفتن این دروغ‌ها احساس ناراحتی نمی‌کنند دروغی که زنان درباره آن بیشتر از همه ابراز مخالفت کرده‌اند دروغ‌هایی است که در موقعیت‌های مشاغل آزاد و به‌منظور کسب سود و منفعت گفته می‌شود این نشان می‌دهد وقتی پای دروغ‌های مهم‌تری در میان باشد زنان این دروغ‌ها را توجیه‌پذیر نمی‌دانند.

پژوهش سدیدپورو شجاع نوری (۱۳۹۳) با عنوان کنش صادقانه و عوامل مؤثر بر آن: رویارویی عاملیت و ساختار در نهاد علم می‌باشد و این پرسش را مطرح می‌کند که از بین

دوگانه عاملیت و ساختار، کدام‌یک به کنش صادقانه می‌انجامد در کنش صادقانه تأثیر عاملیت با $0/54 \pm 1/4$ بیش از ساختار $0/4 \pm 1/2$ است و درکنش غیرصادقانه اهمیت ساختار $0/4 \pm 1/3$ از عاملیت $0/4 \pm 1/2$ بیشتر است. $41/7$ درصد آموزش دیدگان به هم‌زمانی تأثیر ساختار و عاملیت اشاره دارند. همچنین، یافته‌ها معناداری متغیرهای زمینه‌ای را تأیید می‌کند. $41/7$ درصد شرکت‌کنندگان به تأثیرگذاری توأمان علیت و ساختار اذعان دارند. پژوهش‌های پیشین تنها به یکی از دو عامل ساختار و عاملیت توجه داشتند و بیشتر افرادی که کنش غیرصادقانه انجام می‌دهند، فرافکنی می‌کنند.

پژوهش قربانی (۱۳۹۲)، با عنوان ساخت اجتماعی دروغ گفتن و با روش کیفی و به دنبال این مسأله که تحت تأثیر چه عوامل و شرایطی خانواده، دروغ را نهادی می‌کند، حاکی از آن است که به‌طور عمده انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی بستر لازم برای پیدایش و گسترش دروغ را فراهم می‌آورند. حوزه‌های دیگر مثل تاریخ، قدرت، سیاست و ... در امر تکوین دروغ مؤثرند.

البته پژوهش‌هایی وجود دارد که نتایج متفاوتی با تحقیقات ذکرشده در بخش پیشینه تجربی دارند؛ به‌طور مثال: نتایج پژوهش هارت^۱، کورتیس^۲، تیریز^۳ (۲۰۱۹) دلایل دروغ گفتن، از جمله محافظت از خود در برابر دیگران، جلوگیری از مجازات، انتقام‌جویی، حریم خصوصی، جلوگیری از رویارویی، سود مؤثر و حفظ و تسهیل روابط می‌باشد. اکمن^۴ (۱۳۹۳)، حوزه مطالعاتی وی احساسات انسان‌ها، دروغ و فریب در گفتگوها و ارتباطات و مذاکره و بحث‌گریزی بودن نمایش هیجانات در چهره می‌باشد. نمایش احساسات در چهره‌گریزی است و از بدو تولد قادر به نمایش احساسات با استفاده از علائم، چهره و ابزارهای غیرکلامی هستیم. هیجانات پایه را وی (ترس، تعجب، خشم، تحقیر، غم، انزجار) عنوان می‌کند. تشخیص انگیزه دروغ‌گویی مهم‌تر است چون با

1. Christian L Hart
2. Drew A. Curtis
3. Terrizzi
4. Ekman

تشخیص انگیزه یک رفتار می‌توانیم آن را مدیریت کرده و احتمال تکرار آن را در آینده کاهش دهیم. او مهم‌ترین سرنخ‌های رفتاری فریب را کشف کرده و برنامه خودآموزی ارائه کرده که آموزش می‌دهد تا «ریز نمودها» را، ببینیم و تغییر کنیم و تحقیقاتی انجام داده که مشخص می‌کنند از روی حالت‌های چهره می‌توان دریافت که آیا احتمال دارد شخص اهل خشونت و بی‌رحمی باشد، یا نه برنامه خودآموزی هم برای درک و تعبیر این نشانه‌های خطرناک ارائه کرده است. دروغ‌ها انواع مختلفی دارند و اینکه چطور حرکات بدن، تون صدا، لحن و گفتار و حالت‌های چهره می‌توانند دروغ را افشا کنند.

- ماسیپ^۱ و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی تشخیص فریب در شرح‌های مکتوب پرداختند. آن‌ها در واقع قصد داشتند از طریق استفاده از شرح‌های مکتوب ثابت کنند که آیا دروغ‌گوهای ماهر، می‌توانند به خوبی دروغ‌ها را تشخیص دهند یا خیر. از ۷۸ شرکت‌کننده خواسته شد تا با دست خط خود داستانی را بنویسند و سپس صحت داستان شرکت‌کننده دیگر را قضاوت کنند. شرکت‌کننده‌هایی که فکر می‌کردند دروغ‌گویان ماهری هستند تصور می‌کردند که می‌توانند دروغ‌ها را نیز به خوبی تشخیص دهند این پژوهش نشان داد که دروغ‌گویان ماهر نمی‌توانند بهتر از دروغ‌گویان ضعیف دروغ‌ها را تشخیص دهند.

- گلاک^۲، وارن^۳ و چن^۴ (۲۰۱۲) "در پژوهش خود با عنوان تضاد نقش‌ها، دروغ گفتن به افراد خودی و غیرخودی در مذاکرات" به جنبه دیگر از دروغ به روش تجربی پرداخته‌اند. مسأله‌ای که پژوهشگران به دنبال آن بودند این که افراد در مذاکرات خارج از گروهی بیشتر به دروغ می‌پردازند تا در مذاکرات درون گروه؟ هدف پژوهش بررسی درستی یا نادرستی دروغ‌گویی در مذاکرات درون گروهی است؛ زیرا این همان فضایی است که امکان دارد هنجارها و انتظارات درون گروه با منافع شخصی تضاد پیدا کنند.

-
1. Masip
 2. Glac
 3. Warren
 4. Chen

هرقدر پیشنهاد کمتر عادلانه باشد، وقوع دروغ پنهان‌کننده محتمل‌تر می‌شود. برعکس، هرقدر پیشنهاد منصفانه‌تر باشد، دروغ پنهان‌کننده با احتمال کمتری بروز می‌کند. جامعه آماری پژوهش ۴۲ دانشجوی دوره لیسانس از دانشگاه‌های شمال شرق آمریکا بودند. شرکت‌کنندگان به دو گروه تقریباً مساوی تقسیم شدند. هر گروه در اتاقی مجزا نشستند و یک دستورالعمل به آن‌ها داده شد. هر فرد باید با یک نفر از هم‌تیمی‌های خودش و یک نفر از اعضای یک تیم ورزشی دیگر مذاکره می‌کرد. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل اولیه آن‌ها با آزمون T هر سه فرضیه اثبات شدند. میانگین دروغ‌ها به افراد غیرخودی به طرز معناداری بیش از میانگین دروغ‌ها به افراد خودی بود. پارامتر دروغ نخستین، پیش‌بینی‌کننده احتمال وقوع دروغ پنهان‌کننده است؛ در گروه خودی‌ها و هم‌غیرخودی‌ها. در نهایت دو متغیر اندازه دروغ نخستین و درک از عدالت بر یکدیگر اثر متقابل دارند. وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات قبلی: از لحاظ روش این پژوهش به روش تجربی می‌باشد. همچنین این پژوهش به مقایسه درون‌گروهی و برون‌گروهی پرداخته است که در پژوهش‌های قبلی به چنین مواردی اشاره نشده است.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد بین هراس اجتماعی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین ساختار توزیع قدرت در خانواده و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سرمایه‌ی اجتماعی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین کنش ارتباطی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین بیگانگی اجتماعی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد بین فقر فرهنگی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۷- به نظر می‌رسد بین سرمایه‌ی فرهنگی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۸- به نظر می‌رسد بین محرومیت نسبی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۹- به نظر می‌رسد بین سرمایه‌ی اقتصادی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق از نوع کاربردی و پیمایشی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شد. برای محاسبه‌ی ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ و برای اطمینان از اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه از قضاوت اساتید در زمینه موضوع استفاده شده است. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز که در سال ۱۳۹۸ (۱۶۶۳۲ نفر) بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. واحد تحلیل فرد، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و از ۱۱ دانشکده انتخاب شده‌اند. از هر دانشکده به اندازه نسبت دانشجو در کل جامعه آماری، نمونه در نظر گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss و Amos و با استفاده از نرم‌افزار spss از آزمون‌های (ضریب همبستگی، رگرسیون چندگانه،) و با استفاده از ایموس از (معادلات ساختاری) تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۱. دانشکده‌ها

Table 1. Faculties

جمع	تعداد دانشجو	دانشکده
16632	419	کشاورزی و منابع طبیعی
	1622	معماری و هنر
	2223	مدیریت، اقتصاد و حسابداری
	3941	فنی و مهندسی

عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان؛ ولایتی و همکاران | ۲۱۷

جمع	تعداد دانشجو	دانشکده
	720	علوم پایه
	3803	علوم انسانی تربیتی
	193	دندانپزشکی
	729	دامپزشکی
	1716	حقوق و علوم سیاسی
	1150	پزشکی
	1006	ادبیات و زبان‌های خارجی

تعداد نمونه	نسبت نمونه به جامعه $Nk=p \times n$	نسبت هر طبقه به جامعه $P = \frac{ni}{N}$	فروانی هر طبقه (ni)	دانشکده
9	$025/0 \times 375 = 9$	$\frac{419}{16632} = 0/025$	419	کشاورزی و منابع طبیعی
33	$09/0 \times 375 = 23$	$\frac{1622}{16632} = 0/09$	1622	معماری و هنر
52	$14/0 \times 375 = 52$	$\frac{2333}{16632} = 0/14$	2223	مدیریت، اقتصاد و حسابداری
86	$23/0 \times 375 = 86$	$\frac{3941}{16632} = 0/23$	2941	فنی و مهندسی
16	$043/0 \times 375 = 16$	$\frac{720}{16632} = 0/043$	720	علوم پایه
82	$22/0 \times 375 = 82$	$\frac{3803}{16632} = 0/22$	3803	علوم انسانی و تربیتی
1	$01/0 \times 375 = 1$	$\frac{193}{16632} = 0/01$	193	دندانپزشکی
15	$04/0 \times 375 = 15$	$\frac{729}{16632} = 0/04$	729	دامپزشکی
37	$1/0 \times 375 = 27$	$\frac{1716}{16632} = 0/1$	1716	حقوق و علوم سیاسی

تعداد نمونه	نسبت نمونه به جامعه $N_k = p \times n$	نسبت هر طبقه به جامعه $P = \frac{ni}{N}$	فروانی هر طبقه (ni)	دانشکده
22	$06/0 \times 375 = 22$	$\frac{1150}{16632} = 0/06$	1150	پزشکی
22	$06/0 \times 375 = 22$	$\frac{1006}{16632} = 0/06$	1006	ادبیات و زبان‌های خارجی
375				جمع

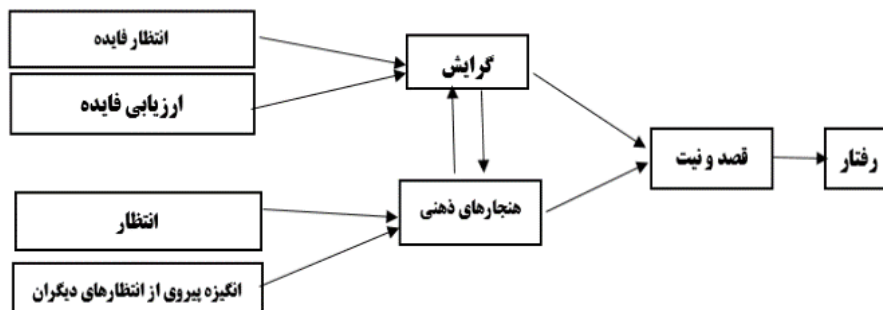
مهم‌ترین نظریه را در زمینه گرایش «آیزن و فیش‌باین» بیان کرده‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸) مطالعه‌های این دو منجر به امکان پیش‌بینی دقیق‌تر رفتارها از طریق گرایش‌ها شده است رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه ماقبل از بروز رفتار (قصد و نیت) برای انجام یک رفتار یا رفتار بالقوه است. به وجود آمدن قصد و نیت تابع دو متغیر «گرایش به آن رفتار و هنجار ذهنی متغیر» است.

آنان نشان داده‌اند که چه وقت و چگونه گرایش بر رفتار اثر می‌گذارند. به نظر این دو نظریه‌پرداز رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید حلقه ماقبل از بروز رفتار (قصد و نیت) برای انجام یک رفتار یا رفتار بالقوه است. به وجود آمدن قصد و نیت به‌نوبه‌ی خود تابع دو متغیر دیگر است گرایش به آن رفتار و هنجار ذهنی متغیر-گرایش متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام رفتاری را از نظر خویش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است در این نظریه گرایش به‌نوبه خود تابع دو عامل دیگر در نظر گرفته شده است: ۱- انتظار فایده ۲- ارزیابی فایده. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخصی تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. در ارزیابی فایده نیز شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظرش برای او فایده داشته است یا خیر. عنصر دوم نظریه مزبور یعنی هنجارهای ذهنی حاوی عنصر اجتماعی است یعنی باورهای شخصی درباره‌ی طرز تفکر دیگران درباره اعمالی که انجام می‌دهند به‌عبارت‌دیگر متغیر هنجار ذهنی منعکس‌کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری (رفتاری) احساس و ادراک می‌کند بدین معنا که شخص توجه دارد تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا

تویخ افراد یا گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت این افراد یا گروه‌ها در واقع نقش یک مرجع هدایت‌کننده‌ی رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک همکاران یا معلمان باشند که به دو عامل تجزیه می‌شود:

۱- انتظار آن که یک رفتار خاص را دیگر افراد مهم گروه چگونه ارزیابی می‌کنند که ما از این پس این دیگر افراد مهم را دیگران می‌نامیم.

۲- انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران میزان تأثیر هر یک از این دو متغیر (گرایش و هنجار ذهنی) در به وجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. از این رو گاه ممکن است تأثیر گرایش بیشتر باشد و گاه تأثیر هنجار ذهنی. در شرایطی که گرایش و هنجارها هر دو در رابطه با رفتار مثبت باشد قصد انجام کار در جهت معینی زیاد خواهد بود اما در صورتی که گرایش‌ها و رفتارها با یکدیگر در تضاد باشند قدرت نسبی آن‌ها می‌تواند تعیین‌کننده‌ی مقاصد بعدی و رفتار متعاقب آن‌ها باشد (Kalantari et al, 2009).



شکل ۱. متغیرهای نظریه آیزن و فیش باین

Figure 1. Variables of Eisen and Fishbain theory

- گرایش متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام رفتاری را از نظر خویش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است در این نظریه گرایش تابع دو عامل دیگر: ۱- انتظار فایده ۲- ارزیابی فایده. عنصر دوم، هنجارهای ذهنی است متغیر هنجار ذهنی

منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸).

- دروغ گویی «نوعی کنش اجتماعی عقلانی، ارادی و آگاهانه است که در شرایط اجتماعی مختلف و تحت فشارهای متفاوت و با نیت گوناگون رخ می دهد» (محدثی گیلوایی، ۱۳۹۴)

تعریف عملیاتی گرایش به دروغ گویی

در این پژوهش از طریق پرسشنامه‌ای که توسط هارت، درو و تیریز در مقاله‌ای با عنوان توسعه دروغ گفتن در موقعیت‌های روزمره (۲۰۱۹) استخراج شده است. سؤالات پرسشنامه در مقاله این محققان از لحاظ اعتبار و روایی (آزمون-آزمون مجدد) در سطح بالایی (۰/۹۴) با واریانس (۵۳/۹۶) و مقدار خاص (۲۴/۲۸) به دست آمد. در پژوهش حاضر؛ آلفای کرونباخ^۱ (۰/۷۵) و نشان دهنده سطح پایایی پرسشنامه است برای سنجش این متغیر از ۴۵ سؤال در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای «خیلی موافق-نسبتاً موافق-تأیید موافق-تأیید مخالف-مخالف-نسبتاً مخالف-خیلی مخالف» استفاده شده است. پس از تهیه پرسشنامه مقدماتی و پیش‌آزمون، پرسشنامه نهایی تدوین شد. برای سنجش این متغیر از آزمون رگرسیون چندگانه و آزمون پیرسون استفاده شده است. (عوامل تأثیرگذار بر گرایش به دروغ گویی: عوامل اجتماعی (هراس اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کنش ارتباطی)، عوامل فرهنگی (فقر فرهنگی، سرمایه فرهنگی)، عوامل اقتصادی (سرمایه اقتصادی، محرومیت نسبی) می‌باشند

این پرسشنامه به زبان انگلیسی طراحی و تدوین شده است. به منظور به کارگیری این پرسشنامه در پژوهش حاضر، ابتدا پرسشنامه به زبان فارسی ترجمه گردید و توسط یکی از اساتید زبان انگلیسی به لحاظ روان بودن مورد بررسی قرار گرفت. سپس در ۴۵ مورد بومی سازی شد و مطابق با فرهنگ و موقعیت‌های اجتماعی کشور ایران تغییر کرد. در

1. Cronbach's alpha

مرحله‌ی بعدی مجدداً پرسشنامه باز ترجمه‌شده و به زبان انگلیسی ترجمه شد تا در صورت مشاهده تفاوت‌های بارز میان ترجمه و اصل پرسشنامه‌ی انگلیسی ایرادات و شبهات را برطرف کرده، به این ترتیب روایی پرسشنامه مورد نظر سنجیده شد. به منظور افزایش اعتبار این پرسشنامه در این پژوهش پیش از اجرای نهایی پیش‌آزمون انجام شد. با استفاده از این پرسشنامه برداشت آزمودنی‌های مورد نظر از مفهوم گرایش به دروغ تعیین گردید. برخی از سؤالات این متغیر، من برای فرار از درگیری یا اختلاف نظر با افراد دیگر دروغ می‌گویم، من برای پنهان کردن کارهای بدی که انجام داده‌ام دروغ می‌گویم، من دروغ می‌گویم تا درگیری با مردم نداشته باشم و... .

جدول ۲. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل

Table 2. Conceptual and operational definition of independent variables

تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی
نوعی ترس اجتماعی است که در جامعه فراگیر می‌شود و عارض بر گروه‌های اجتماعی است. وقتی ترس و هراس بر گروهی از مردم عارض می‌شود و در ذهن آنان رسوخ می‌کند، هراس اجتماعی ایجاد می‌شود (کوئن، ۱۳۹۷)	تعریف عملیاتی هراس اجتماعی: در این تحقیق نمره‌ای است که فرد از پرسشنامه‌ی اضطراب اجتماعی (SPIN) کسب می‌کند.
ساخت قدرت در خانواده، الگوی ساخت یافته تصمیم‌گیری در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۸۵)	منظور نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از پرسشنامه شیوه توزیع قدرت در خانواده با ۳۶ سؤال کسب می‌کنند.
میزان سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر به دست می‌آورند (چلیپی، ۱۳۷۵)	پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی توسط محقق ساخته‌شده در سال ۱۳۹۶ ساخته‌شده است و دارای ۲۷ سؤال می‌باشد
کنشی است که متمایل به دستیابی، حفظ، تجرید توافق است (هابرماس، ۱۳۸۴)	منظور نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از مقیاس کنش ارتباطی یا کوبسن (۲۰۰۴) با ۱۴ سؤال کسب می‌کنند.

تعریف عملیاتی	تعریف مفهومی	
<p>منظور احساس بی‌قدرتی (عدم تسلط بر زندگی، ناتوانی در برابر مشکلات، اعتقاد به تقدیر، عدم مشارکت)، احساس بی‌هنجاری (عدم رعایت قانون، رعایت قانون به خاطر ترس از مجازات)، احساس انزوای اجتماعی (عدم مشارکت در امور، ترجیح دادن تنهایی و دوری از دوستان) می‌باشد.</p>	<p>بیگانگی که از آن به‌عنوان نوعی انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان افراد و جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده فرهنگ نام می‌برند (حسنی، ۱۳۸۸)</p>	
<p>فقر فرهنگی با ابعاد) تقدیرگرایی، عدم آینده‌نگری، مصرف‌گرایی و عدم تمایل به پس‌انداز، عدم سرزنش فقر(با ۲۶ سؤال از طریق طیف لیکرت سنجیده می‌شود.</p>	<p>افراد بسیار فقیر رشد دهنده ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که اساساً مبتنی بر شرایط محرومیت آوری است که در آن زندگی می‌کنند و این که فقرا شیوه زندگی خود را به فرزندان خود منتقل می‌کنند (شایان مهر، ۱۳۷۹)</p>	
<p>سرمایه فرهنگی سه بُعد دارد: الف-بُعد ذهنی و تجسم‌یافته یا سرمایه بدنی و فردی ب-بُعد عینیت یافته ج-بُعد نهادینه‌شده و ضابطه‌ای که از طریق پرسشنامه محقق ساخته شده موردسنجش قرار گرفت.</p>	<p>سرمایه فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را در برمی‌گیرد (بوردیو به نقل از ریتزر، ۱۳۸۷)</p>	
<p>در بررسی محرومیت نسبی دو عامل مؤثر است که از طریق مطالعه‌ی آن می‌توان محرومیت نسبی را به‌طور دقیق اندازه‌گیری کرد: میزان نیازهای ارضاء شده و میزان توقع افراد از رفع نیازهایشان. برای سنجش این متغیر از پرسشنامه محقق ساخته با ۱۲ سؤال استفاده شده است.</p>	<p>اختلاف بین سطحی از زندگی که فرد در آن به سر می‌برد و آنچه فکر می‌کند باید در عمل از آن برخوردار باشد (گیدنز، ۱۳۸۶)</p>	
<p>در این پژوهش برای سرمایه‌ی اقتصادی دو بعد در نظر گرفته‌ایم: بعد اول شامل میزان درآمد است که معرف آن میزان درآمد خانواده است. بعد دوم شامل دارایی‌های مادی است که شامل قیمت منزل مسکونی و ماشین با شش سؤال، است. برای سنجش این متغیر از پرسشنامه محقق ساخته با ۶ سؤال استفاده شده است.</p>	<p>بنا بر نظر پیر بوردیو، سرمایه اقتصادی مجموعه دارایی‌هایی است که قدرت اقتصادی را تعیین می‌کند (علی بابایی و باینگانی، ۱۳۸۹)</p>	

یافته‌ها

۴۸ درصد از دانشجویان پسر و ۵۲ درصد دختر بوده‌اند. ۵۱/۲ درصد از دانشجویان مجرد، ۴۵/۹ درصد متأهل و ۲/۹ درصد طلاق گرفته بوده‌اند. ۵/۹ درصد از دانشجویان در مقطع کاردانی، ۳۱/۷ درصد کارشناسی، ۳۳/۳ درصد کارشناسی ارشد و ۲۹/۱ درصد در مقطع دکترا به تحصیل اشتغال داشتند. ۹/۳ درصد از دانشجویان زیر ۲۰ سال، ۵۱/۲ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۲ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۷/۵ درصد بالای ۴۱ سال سن داشتند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی

Table 3. Descriptive Findings

متغیر	انحراف معیار	میانگین
گرایش به دروغ‌گویی	9/505	143/96
هراس اجتماعی	10/96	33/99
ساختار توزیع قدرت در خانواده	20/54	102/96
سرمایه اجتماعی	12/41	94/63
کنش ارتباطی	5/743	48/60
بیگانگی اجتماعی	15/69	120/94
فقر فرهنگی	8/53	36/77
سرمایه فرهنگی	13/41	50/64
احساس محرومیت نسبی	11/33	49/60
سرمایه اقتصادی	8/056	18/88

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین گرایش به دروغ‌گویی در بین پاسخگویان (۱۴۳/۹۶) با انحراف معیار (۹/۵۰۵)؛ هراس اجتماعی با میانگین (۳۳/۹۹) و انحراف معیار (۱۰/۹۶)؛ ساختار توزیع قدرت در خانواده با میانگین (۱۰۲/۹۶) و انحراف معیار (۲۰/۵۴)؛ کنش ارتباطی با میانگین (۴۸/۶۰) و انحراف معیار (۵/۷۴۳)؛ بیگانگی اجتماعی با میانگین (۱۲۰/۹۴) و انحراف معیار (۱۲۰/۹۴)؛ فقر فرهنگی با میانگین (۳۶/۷۷) و انحراف معیار (۸/۵۳)؛ سرمایه فرهنگی با میانگین (۵۰/۶۴) و با انحراف معیار (۱۳/۴۱)؛

احساس محرومیت نسبی با میانگین (۴۹/۶۰) و با انحراف معیار (۱۱/۳۳)؛ سرمایه اقتصادی با میانگین (۱۸/۸۸) و انحراف معیار (۸/۰۵۶) می‌باشد.

جدول ۴. همبستگی بین متغیرها

Table 4. Correlation between variables

متغیرهای مستقل	R	P	رابطه
هراس اجتماعی	0/343	0/000	مستقیم و ضعیف
ساختار توزیع قدرت در خانواده	0/454	0/000	مستقیم و متوسط
سرمایه اجتماعی	-0/179	0/000	معکوس و خیلی ضعیف
کنش ارتباطی	-0/153	0/003	معکوس و خیلی ضعیف
بیگانگی اجتماعی	0/299	0/000	مستقیم و ضعیف
فقر فرهنگی	0/341	0/000	مستقیم و ضعیف
ابعاد سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	0/006	وجود ندارد
	عینیت یافته	0/001	وجود ندارد
	نهادینه شده	0/07	وجود ندارد
سرمایه فرهنگی	-0/295	0/000	معکوس و ضعیف
محرومیت نسبی	0/238	0/000	مستقیم و ضعیف
سرمایه اقتصادی	-0/337	0/000	معکوس و ضعیف

نتایج حاصل از همبستگی بین متغیرها نشان داد که بین متغیرهای «هراس اجتماعی، ساختار توزیع قدرت در خانواده، بیگانگی اجتماعی، فقر فرهنگی» رابطه مستقیم و بین متغیرهای سرمایه «اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و کنش ارتباطی» رابطه معکوس وجود دارد. میانگین گرایش به دروغ‌گویی در دانشجویان پسر برابر ۱۴۳/۹۲ و دختر ۱۴۳/۹۹ می‌باشد مقدار $t=0/074$ با سطح معناداری (۰/۹۴۱) نشان داد: میزان گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان پسر و دختر متفاوت نبوده است.

جدول ۵. مقایسه میزان گرایش به دروغ‌گویی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای

Table 5. Comparison of the tendency to lie based on contextual variables

میزان گرایش به دروغ‌گویی		متغیر
سطح معناداری	f	
0/088	2/464	وضعیت تأهل
0/146	1/805	سن
0/113	2/004	تحصیلات

برای متغیرهای «وضعیت تأهل، سن و تحصیلات» از آزمون f استفاده شد که تفاوت معناداری بین این متغیرها مشاهده نشد. برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای پیش‌بین (هراس اجتماعی، ساختار توزیع قدرت در خانواده، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، احساس محرومیت نسبی، کنش ارتباطی، فقر فرهنگی و بیگانگی اجتماعی) بر گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. برای تبیین گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی به‌عنوان متغیر ملاک، تمامی متغیرهای پژوهش «ساختار توزیع قدرت در خانواده، فقر فرهنگی، هراس اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و کنش ارتباطی» به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شدند. نتایج نشان داد همه متغیرهای مورد مطالعه در الگو باقی‌مانده است. به‌منظور آزمون استقلال خطاها در بین متغیرهای پیش‌بین، ارزش شاخص دوربین واتسون مورد بررسی قرار گرفت و ارزش شاخص مذکور ۱/۵ بود. با توجه به ارزش شاخص محاسبه‌شده، میتوان گفت مفروضه استقلال خطاها نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار است. ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر ۰/۶۲۴ است. $R^2 = ۰/۳۸۹$ و ضریب تعیین خالص برابر $R^2 = ۰/۳۷۴$ به‌دست آمده است، یعنی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به میزان ۳۷ درصد گرایش به دروغ‌گویی را در دانشجویان تبیین می‌کنند و ۶۳ درصد از واریانس گرایش به دروغ‌گویی در دانشجویان توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می‌باشد. تجزیه

واریانس رگرسیون میزان F مدل رگرسیون برابر ۲۵/۸۴ و احتمال معنی داری آن برابر ۰/۰۰۰ است. مدل رگرسیون با نه متغیر معنی دار است.

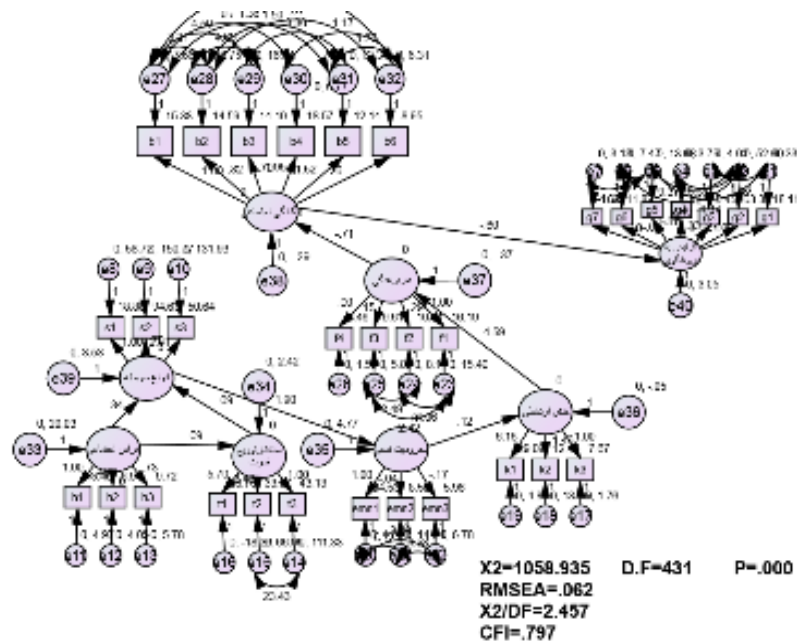
جدول ۶. ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش گام به گام

Table 6. Coefficients of regression variables by stepwise method

.Sig	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب خام		متغیرهای پیش بین
		Beta	Std.Error	B	
0/000	21/33		6/081	129/75	مقدار ثابت
0/032	2/152	0/100	0/040	0/087	هراس اجتماعی
0/000	6/144	0/280	0/021	0/130	ساختار توزیع قدرت در خانواده
0/005	-2/804	-0/118	0/032	-0/090	سرمایه اجتماعی
0/031	-2/160	-0/098	0/075	-0/162	کنش ارتباطی
0/020	2/338	0/113	0/029	0/068	بیگانگی اجتماعی
0/001	3/268	0/152	0/052	0/169	فقر فرهنگی
0/024	-2/268	-0/105	0/033	-0/074	سرمایه فرهنگی
0/001	3/213	0/149	0/039	0/125	احساس محرومیت نسبی
0/009	-2/622	-0/118	0/053	-0/139	سرمایه اقتصادی

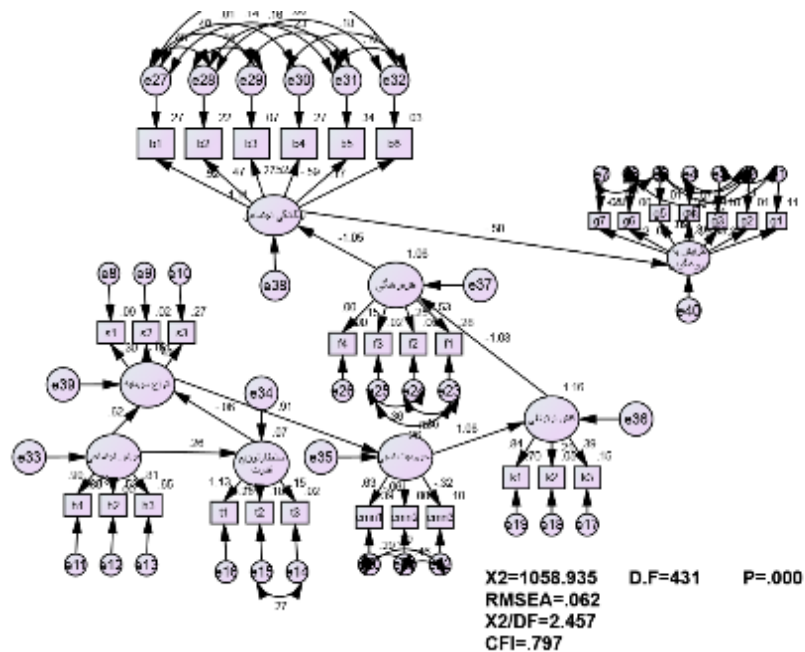
به منظور بررسی آزمون فرضیه اصلی مبتنی بر تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. برآورد حداکثر درست‌نمایی^۱ برای برآورد پارامترهای به دست آمده از روابط متغیرهای پیش‌بین یا مستقل بکار گرفته شد. جهت تعیین برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. قبل از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برای تعیین کیفیت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. شاخص‌های مذکور نشان دادند که مدل پیشنهادی

محقق از چند شاخص برازندگی قابل قبول برخوردار می‌باشد، اما میزان برازندگی در شاخص $RAMSEA=0/087$ در حد رضایت‌بخش نیست و نیاز به اصلاح دارد؛ با استفاده از شاخص‌های تعدیل و اصلاح^۱، دوباره الگوی موردنظر برازش شد و میزان برازش الگو افزایش یافت. شاخص‌های نکویی برازش به دست آمده برای مدل تحقیق نشان می‌دهد که مقدار کای دو در مدل $(X^2=1058/935)$ با درجه آزادی $(df=431)$ به دست آمده است. شاخص‌های برازش مدل NFI برابر $0/705$ و CFI برابر $0/797$ ، نمایانگر برازش خوب مدل می‌باشند و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر $0/06$ شد که برازش خوبی را نشان می‌دهد و با توجه به شاخص‌های ارائه شده، مدل فوق تأیید می‌شود، چراکه اندازه‌های کمتر از $0/08$ به معنای برازش خوب، $0/10$ تا $0/08$ برازش متوسط و بیش از $0/10$ برازش ضعیف است. در ادامه ابتدا ضرایب مسیر استاندارد نشده و استاندارد شده مدل اصلاحی در نمودارهای زیر ارائه شده است.



شکل ۲. مدل اصلاحی در حالت ضرایب استاندارد نشده

Figure 2. Correction model in the case of non-standardized coefficients



شکل ۳. مدل اصلاحی در حالت ضرایب استاندارد شده

Figure 3. Correction model in the case of standardized coefficients

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به دروغ‌گویی انجام شده است. این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال که چه عواملی در گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی مرتبط هستند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که در گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش و تأثیر بسزایی داشتند. طبق نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه متغیرهای ساختار توزیع قدرت در خانواده، فقر فرهنگی، احساس محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه فرهنگی بیگانگی اجتماعی، هراس اجتماعی و کنش ارتباطی به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی داشتند.

در تبیین ساختار توزیع قدرت در خانواده با گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی می‌توان گفت که هرچقدر شخص در محیط خانواده منابع با ارزش بیشتری در اختیار داشته

باشد از قدرت و نفوذ بیشتری نیز برخوردار است و از آنجا که در عموم خانواده‌ها سطح تحصیلات و درآمد مرد خانواده بیشتر است قدرت و نفوذ وی نیز بیشتر است و قدرت خود را در تصمیم‌گیری‌های امور خانواده نشان می‌دهد و در این وضعیت ساختار قدرت در خانواده وجه اقتدارگرایانه به خود می‌گیرد و مدیریت مشارکتی رنگ می‌بازد. ساروخانی (Bukharaei, 2014) بیان می‌کند چنانچه والدین بکوشند تا به جای تحکیم و مجبور ساختن کودک و نوجوان به پذیرش هنجارهای اجتماعی، سعی کنند نوجوانان را با هنجارها آشنا کنند و دلیل پیدایی هنجارها را برای آنان ذکر کنند نتیجه آن خواهد بود که کودک این هنجارها را می‌پذیرد و از آن خود می‌کند و بعدها چنانچه فرد دیگری از آن تخطی کند بدو هشدار می‌دهد. این فرآیند را درونی‌سازی هنجارها و قواعد اجتماعی می‌خوانند که موجبات آشتی انسان با قوانین جامعه را فراهم می‌سازند. در نتیجه این امر در صورت آزاد بودن جوانان چون با قوانین و هنجارها آشنا بوده و آن‌ها را در خود درونی کرده‌اند احتمال بروز رفتار انحرافی من جمله دروغ‌گویی در آنان بسیار کاهش می‌یابد.

با توجه به بررسی مبانی نظری و تجربی و همچنین یافته تحقیق حاضر فقر فرهنگی نیز می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد. فقر فرهنگی، بستر مناسب گذر از معیارهای اجتماعی را برای افراد، مهیاتر می‌کند. فقر فرهنگ در فرد عقده حقارت ایجاد می‌کند و او را به ارتکاب اعمال ناشایست وامی‌دارد و برای رسیدن به هدف و مقصود مورد نظر جامعه و افراد را فریب می‌دهد و دروغ می‌گوید. همچنین احساس ناتوانی و ناامیدی، برآشفستگی و نارضایتی به وجود می‌آورد که می‌توانند به رفتار انحرافی (دروغ) منجر گردد.

در مورد متغیر محرومیت نسبی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی، طبق نظریه کوهن شرایط اجتماعی باعث عدم موفقیت فرد برای رسیدن به اهداف می‌شود و احساس محرومیت نسبی را در فرد ایجاد می‌کند و فرایند ناامیدی رخ می‌دهد و زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای منفی آماده می‌کند.

متغیر دیگری که در گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی مؤثر بود سرمایه اجتماعی و اقتصادی است. فوکویاما به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی مستقیم اشاره کرده و یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمار انحرافات اجتماعی می‌داند. مشکلات اجتماعی نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی است سرمایه‌ای که اگر وجود داشت قادر بود کنش‌ها را در زندگی اجتماعی بارور - مستعد و توانا سازد. در هر جامعه‌ای که شاهد میزان پائین سرمایه اجتماعی باشیم قاعدتاً بایستی شاهد بروز آسیب و انحرافات اجتماعی بیشتری باشیم. همچنین نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی، شکاف طبقاتی را افزایش داده و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع انحرافات اجتماعی از جمله «دروغ» شکل می‌گیرد. از جمله نظریه پرداز کلاسیک که معتقد است، انحرافات اخلاقی (دروغ‌گویی) افراد جامعه به وسیله موقعیت‌های مادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، کارل مارکس است. وی معتقد است وضعیت عینی و مادی زندگی، رفاه و سعادت به ارمغان می‌آورد بوردیو مانند وبر معتقد است برای درک این سلسله‌مراتب تنها توجه به وضعیت اقتصادی افراد و گروه کافی نیست و باید علاوه بر آن به وضعیت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها توجه نمود. سرمایه اقتصادی، دارایی و کالای لوکس که به یک نفر تعلق دارد که این سرمایه در مجموعه‌ای از تماس‌ها، کنش‌ها، رابطه‌ها، آشنایی در کل سطحی از جامعه اتفاق می‌افتد. نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی، شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع انحرافات اجتماعی از جمله «دروغ» شکل می‌گیرد.

در تبیین یافته تحقیق حاضر مبنی بر تأثیر بیگانگی اجتماعی در گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی با استفاده از نظریه بیگانگی زیمل می‌توان گفت؛ وسیع‌تر شدن جامعه و

به عبارت دیگر زندگی در شهرها سبب ایجاد فاصله و شکاف بین فرهنگ عینی و فرهنگ ذهنی شده و نتیجه این شکاف بروز بیگانگی در افراد است.

در رابطه با سرمایه فرهنگی و ارتباط آن با دروغ‌گویی می‌توان گفت در اختیار داشتن و یا نداشتن سرمایه فرهنگی به شکل‌گیری ذائقه و عادتواره منجر می‌شود که فرد را به سمت ارتکاب یا خودداری از ارتکاب رفتارهای منحرف (دروغ) همانند رفتارهای اجتماعی دیگری که تحت تأثیر عادتواره‌ها شکل می‌گیرند سوق دهد. طبق نظریه بوردیو فعالیت‌های اجتماعی انسان تحت تأثیر میدان و عادتواره‌هایی است که ساختار ذهنی فرد را شکل بخشیده‌اند. در زمینه برخورداری از سرمایه فرهنگی (تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی) افرادی که از تحصیلات پائین‌تری برخوردار هستند از کالاهای فرهنگی کمتری استفاده می‌نمایند، ترجیحات زیباشناسانه متفاوتی با گروهی دارند که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند

این پژوهش نشان داد بین دروغ‌گویی و هراس اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد، در شرایط فعلی که نابسامانی وجود دارد مشکلی که باعث می‌شود دروغ بیشتر همگانی شود طبق تئوری مرتون عدم همکاری اهداف با وسایل است یا همان ارزش‌های مادی افراد است که نه تنها تغییر نکرد بلکه بیشتر هم شد. توزیع قدرت در جامعه نابرابر و ناعادلانه است و افراد برای رسیدن به مادیات فریبکاری درحال افزایش است در بسیاری از موارد نهادها در حال تولید دروغ هستند نه به صورت آگاهانه بلکه به صورت پنهان به مردم آموزش می‌دهند و نمی‌دانند چطور موجب ایجاد شکاف در اعتماد اجتماعی و رواج دروغ در جامعه می‌شوند.

آخرین متغیر مرتبط با گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی، کنش ارتباطی است. هابرماس معتقد است که وضعیت ایده‌آل گفتگو این امکان را فراهم می‌آورد که افراد آزادانه و سوای اعمال قدرت با همدیگر ارتباط برقرار کنند تا به تفاهم برسند. وضعیت بحران ارتباطی نشان می‌دهد که نبود صمیمیت، اعتماد پایین و ... وضعیتی را بر کنشگران تحمیل می‌کند که برای برون‌رفت از آن راهی جز دروغ نمی‌یابند. طبق نظریه گافمن افراد

هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که موردپذیرش دیگران باشد یا همان جعل هویت که افراد با جعل هویت به یک شیوه برخورد نمی‌کنند یا مدیریت تأثیرگذاری از شگردهایی است که کنشگران برای حل مسائل خود از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ بنابراین افراد به دو دلیل دروغ می‌گویند یکی برای به دست آوردن یک موقعیت و دومی برای اجتناب از وضعیت بد.

از تجربه‌های به دست آمده در فرایند این پژوهش ظهور و بروز یک سری موضوع‌های جدید و کلیدی از دل موضوع کلی پژوهش است که از نظر موضوعی محدودتر از پژوهش حاضرند اما محدود بودن آن‌ها نه تنها از علمی بودن آن‌ها نمی‌کاهد که عمق مطالعه را چندین برابر می‌کند. به عنوان مثال پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند به دروغ در نظام‌ها پردازند اینکه مثلاً در نظام سیاسی، نظام اقتصادی و ... ما چه جایگاهی دارد و چه تأثیری بر فردای اجتماعی جامعه می‌گذارد. همچنین گسترش جامعه آماری در مطالعات بعدی تا تحقیق تعمیم‌پذیری بیشتری داشته باشد.

تشکر و سپاسگزاری


در این پژوهش از زحمات اساتید راهنما جناب آقای دکتر داود ابراهیم پور، دکتر علیزاده اقدم و استاد مشاور جناب آقای دکتر عباس زاده تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم.

ORCID

Roghayeh Velayati
Davood Ebrahimpoor
Mohammadbagher
Alizadeh Aghdam
Mohamad Abaszadeh

 <http://orcid.org/0000-0002-9810-4654>

 <http://orcid.org/0000-0002-2911-4381>

 <http://orcid.org/0000-0003-4810-5680>

 <http://orcid.org/0000-0003-4837-0329>

References

- Atrifard M, Poetry, M R, Rasoulzadeh Tabatabai, K, Janbozorgi, M, Azadfallah, P, Banopour, A. (2012). "Evaluation of the effectiveness of behavioral cognitive therapy based on Hoffman model in reducing the symptoms of social anxiety disorder". *Quarterly Journal of Counseling Culture and Psychotherapy*. third year. No. 9. 51-23. [In Persian]
- Bazargan, M (2017). *Lies and its role in our religion and world*, Tehran: Kavir, fifth edition. [In Persian]
- Book, M. (1998). "The place of lies and its behavioral patterns in social relations." *Social Sciences Monthly* No. 12. 156-137. [In Persian]
- Bukharaei, A (2014). *Sociology of Social Deviations in Iran*. Tehran: Sociologists. Third edition. [In Persian]
- Burger, P, Thomas, L,. (2008). *The Social Construction of Reality: A Treatise on the Sociology of Cognition*. Translator: Firooz Majidi. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Chalabi, M. (2013). "Action Space: A Regulatory Tool in Theorizing". *Iranian Journal of Sociology*. No. 4. 5-49. [In Persian]
- Coen, B. (1397). *Fundamentals of Sociology*, translated by Gholamabbas Tavassoli and Reza Fazel, Tehran: Samat, 22nd edition. [In Persian]
- Eckman, P (2014). *Lying is at the forefront of all evils: The Behavior of Lies*. Translated by Negin Keshavarzian. Tehran: Bright future. [In Persian]
- Ghorbani, P. (2013). *The social construction of lying. Master Thesis in Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology*. Faculty of Science and Culture. [In Persian]
- Giddens, A. (2007). *Sociology*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney, twentieth edition. [In Persian]
- Glac, K., Warren, Danielle E., & Chen, Chao C. (2012). Conflict in roles: Laying to the ingroup versus the out- group in negotiations, *Sage Publications: 227-245*.
- Hart, Christian L, Terrizzi, Jr, John, , Curtis Drew A. (2019). Development of the Lying in Everyday Situations Scale, *The American Journal of Psychology* ·343-352.
- Hassani, G. (2009). A Study of the Relationship between Political and Social Alienation and Political and Social Participation of Students in Tehran State Universities in 1987-86, *Social Sciences Quarterly*, No. 50, pp. 171-130. [In Persian]
- Hosseinzadeh, A H, Bagheri, M, Razmara, A. (2015) "Study of socio-cultural factors affecting the social alienation of young people, studied by young people aged 18-25 years in Ahvaz" *Quarterly Journal of Social Development*. Volume 10. Number 2. 54-37. [In Persian]

- Jalaeipour, H, Mohammadi, J. (2015) *Recent Sociological Theories*, Tehran: Ney, sixth edition. [In Persian]
- Khodamoradi, E. (2015). *Understanding the meaning of lies in the daily life of the people of Tehran*. Master Thesis in Tehran Social Sciences. kharazmi University. [In Persian]
- Kiwisto, P. (2004). *Fundamental Thoughts in Sociology*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Ney. [In Persian]
- Mahdavi, M S, Sabouri-Khosroshahi, H. (2004). "Study of the structure of power distribution in the family". *women Studies*. No. 1. First year. Pp27-67. [In Persian]
- Martin, B. (2014). Telling lies for a Better world? *Social Anarchism* NO 39-27;35.
- Marx, K. (2003). *Economic and Philosophical Manuscripts 1844*. Hassan Mortazavi. Tehran: Ad. Third edition. [In Persian]
- Masip, J, Bethencourt, M, Lucas, G, Segundo, M & Carmen H (2012). Deception detection from Written Accounts.Scandinavian. *Journal of Psychology*. 2, Vol 53, 103-111.
- Meibauer, J. (2011). OnLying: Intentionality, Implicature, *Intercultural Pragmatics*. Vol 8, Issue2, 277-292.
- Muhaddith G, Hassan; Philosophical, S. (2015). "A sociological analysis of the readiness to lie." *Special issue of Women's Research Journal*. The sixth year. First issue, 155-133. [In Persian]
- Police Station, S; Abbaszadeh, M; Amin Mozaffari, F, Rakaie Bonab, N. (2009). "Sociological study of the tendency to have children and some related factors (Case study: married young people in Tabriz)". *Applied Sociology*. Year 21. Serial number (37). 104-83 [In Persian]
- Rabbani, A, Rabbani, R, Hassani, M R. (2011). "The relationship between the feeling of relative deprivation and the tendency to national identity, case study: Isfahan University students". *Applied Sociology*. Year 22. Serial Issue 42. Second Issue. 67-94. [In Persian]
- Ritzer, G. (2014). *Sociological Theory*. Translated by Houshang Naebi. Tehran: Ney. [In Persian]
- Sadeghi, H. (2016). *A Study of Socio-Cultural Factors Affecting Lying in Ardabil*. Non-master's thesis, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Faculty of Social Sciences. [In Persian]
- Sadidpour, S. S, Shoja Nouri, F M. (2014). Honest action and its effective factors: confrontation of agency and structure in the institution of science. *Quarterly Journal of Epistemological Studies at Islamic University*. Year 18, No. 2. Pp209-228. [In Persian]
- Seidman, S. (2017). *Conflict of Opinions in Sociology*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney. [In Persian]

- Siddique Sarvestani, R. (2011). *Social pathology, sociology of social deviations*. Tehran: Samat. Seventh edition. [In Persian]
- Topkhaneh zarei, M, Janbozorgi, M, Ahmadi Mohammadabadi, M R. (2013). "Study of the relationship between power structure in the family and its efficiency". *Psychology and Religion*. Year 6. Number 3. 53-70. [In Persian]
- Zair Kaaba, R. (2009). *Lies and underdevelopment of societies. Regional Conference on False Pathology in Society*. Payame Noor Middle University. 188-196. [In Persian]
- Zangini, M. (2017). *Study of social factors affecting immorality (lying) with emphasis on its consequences (social indifference and distrust)*, Master Thesis, Shahid Beheshti University, Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]

استناد به این مقاله: ولایتی، رقیه، ابراهیم‌پور، داود، علیزاده اقدم، محمدباقر، عباس‌زاده، محمد. (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۲)، ۱۹۹-۲۳۵.

DOI: 10.22054/QJSS.2021.61611.2403



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...

